گفت‌وگوی «فرهیختگان» با علی مقداری، رئیس دانشگاه آزاد واحد فرشتگان که زمینهٔ ادامه‌تحصیل دانشجویان ناشنوا را فراهم کرد

۳۵ سال شریف یک‌طرف، ۵ سال فرشتگان هم یک‌طرف!

سارا طاهری
خبرنگار گروه دانشگاه

بهمن ماه ۱۳۹۸، وقتی دانشگاه فرشتگان با تهیاک دفتر کوچک آغاز به کار کرد، کمتر کسی تصور می‌کرد که طی پنج سال، این واحد بتواند تحولی شگرف در آموزش ناشنوایان به وجود آورد. اما این اتفاق در عالم واقع رخ داد. البته شروع این مسیر کم هم چالش نداشت؛ نیروی آموزش‌دیده برای تدریس به زبان اشاره نداشتیم، کمبود مترجم حرفه‌ای زبان اشاره و بروکراسی پیچیده اداری که می‌توانست هر ایده‌ای را در همان ابتدا متوقف کند. جسارت شهید طهرانچی در مدیریت و اعتقادراسخ به انجام ماموریت اجتماعی دانشگاه فضای دانشگاه را برای پدیده‌سازی بخش اجرایی شدن در آنجا آموزش عالی و جبران یک غفلت تاریخی مهیا کرد. با این رویکرد ایده علی مقداری، استاد تمام دانشگاه مهندسی مکانیک دانشگاه صنعتی شریف، برای شکل‌گیری دانشگاهی ویژه افراد دارای معلولیت با محوریت ناشنوایان رنگ واقعیت گرفت.

از روزهای ابتدایی، دانشگاه فرشتگان سرمت متفاوتی را نسبت به روند معمول شکل‌گیری مراکز آموزش عالی آغاز کرد؛ برگزاری دوره‌های آموزشی ویژه استاید و کارشناسان برای آشنایی با فرهنگ و نیازهای دانشجویان ناشنوا، طراحی برنامه رشته کارشناسی زبان اشاره ایرانی، همکاری با دانشگاه‌های معتبر مانند شریف و چاپ کتاب‌های متاسب‌سازی شده با کلیپ‌های آموزشی در QR که اکنون دهها تجربه‌ای که در تاریخ آموزش عالی ایرانی سابقه ندیم. اورژنس پنج سال پس از آن زمان می‌گذرد و دانشگاه فرشتگان با ۲۳ رشته تحصیلی میزبان بیش از ۵۰۰ دانشجوی دارای معلولیت و فاقد معلولیت است. هشتم مهر روز جهانی ناشنوایان، فرصتی است برای بازخوانی تجربه گران‌بهای واحد فرشتگان دانشگاه آزاد که امکان ظهور و بروز یک افراد دارای معلولیت را تا دریافت مدارج عالی و عضویت هیئت علمی دانشگاه ممکن ساخت. علی مقداری، رئیس دانشگاه آزاد واحد بین‌الملل فرشتگان در گفت‌وگو با «فرهیختگان» به روایت چالش‌ها، خاطرات و برنامه‌هایی که این واحد دانشگاهی در پنج سال گذشته نشانه پرداخته که در ادامه از نظر می‌گذرانید.

■■■

بهمن ماه ۹۸ دانشگاه فرشتگان رسماً آغاز به کار کرد. شما پیش از ماجرای تأسیس دانشگاه فرشتگان آشنایی و مواجهه‌ای با دکتر طهرانچی داشتید؟

اولین مواجهه من با شهید طهرانچی به سال ۱۳۹۴ برمی‌گردد. در آن زمان مدیرکل آموزش و پژوهش وزارت نیرو و همچنین استاد دانشگاه شریف بودم. ایشان در آن مقطع ریاست دانشگاه شهید بهشتی را بر عهده داشتند. از سوی دیگر، دانشگاه شهید رجایی (صنعت آب و برق) طبق مصوبه دولت قبل (در دوره دکتر احمدی‌نژاد) به دانشگاه شهید بهشتی ملحق شده بود. من از وزارت نیرو مأمور شدم برای حل و پیگیری برخی مشکلات ناشی از ادغام دانشگاه صنعت آب و برق در دانشگاه شهید بهشتی در برخی جلسات هیئت‌امنای دانشگاه شهید بهشتی حضور پیدا کنم. آن ایام وزیر نیرو با اینکه عضو رسمی هیئت‌امنا بودند، مقرر کردند به جای ایشان در جلسات شرکت و فرایند همکاری را رواج‌تر کنم. در همان یک دو جلسه‌ای که شرکت داشتم، برای اولین بار با شهید دکتر طهرانچی آشنا شدم. بعد از آن جلسات دیگر ارتباط مستقیمی با ایشان نداشتم تا زمانی که به عنوان رئیس دانشگاه آزاد منصوب شدند. در آن مقطع من عضو هیئت‌مدیره دانشگاه آزاد اساس‌نامه بودم و آنجا فرصت تعامل و همکاری بیشتری با ایشان پیدا آمد.

شما از سال ۱۳۹۳ روی پروژه‌ای در حوزه ربات‌های ویژه‌دانش‌آموزان کمپوتان کار می‌کردید. بعد از آن هم وارد حوزه زبان اشاره و در همان دور و درمشی‌ی به آمریکا با دانشگاهی آشنا شدید که مدیریت آموزش دانشجویان ناشنوا را بر عهده داشت. وقتی به ایران برگشتید، در یکی از جلسات وزارت علوم پیشنهاد تأسیس دانشگاهی مشابه آن را مطرح کردید. چه شد که در نهایت دانشگاه آزاد میزبان چنین دانشگاهی شد؟

بعد از همان پروژه‌ی مربوط به ساخت یک ربات برای آموزش زبان اشاره به کودکان ناشنوا بود. در سال ۱۳۹۵، برای شرکت در یک کنفرانس به آمریکا رفتم. در آنجا با استادی آشنا شدم که عضو هیئت‌مدیره آن دانشگاهی بود و در واشنگتن‌دی‌سی رفت و دانشگاهی که در آن زمان تنها دانشگاه ویژه ناشنوایان در جهان به شمار می‌رفت، قدمتی حدود ۱۵۰ سال داشت. و زمان ریاست‌جمهوری ابراهام لینکلن تأسیس شده بود. از وی کنجکاوی به وبسایت آن دانشگاه بازدید داشتم و چند روزی در آنجا ماندم که با استقبال مسئولان آن دانشگاه همراه شدم. چون زبان اشاره آمریکایی بلد نبودم، برایم مترجم گذاشتند. اغلب اعضای هیئت‌علمی و کارشناسان دانشگاه ناشنوا بودند و اداره‌بین‌الملل هم از حضور من استقبال خوبی کردند. فرصت پیدا کردم کلاس‌های درس و آزمایشگاه‌ها را ببینم و با اساتید و دانشجویان ناشنوا صحبت کنم. بعد از بازگشت به ایران گزارشی برای وزارت علوم تهیه کردم و توضیح دادم که چنین دانشگاهی در آمریکا وجود دارد و گفتم: «به نظر من جای آن از در ایران و حتی منطقه خاورمیانه خالی است». در آن زمان دکتر فرهادی وزیر علوم بودند. ایشان روی پیشنهاد من دستور بررسی دادند و با نظر مساعد، موضوع را به شورای گسترش دانشگاه‌های آزاد ارجاع کردند. من در جلسه شورا طرح را توضیح دادم و در نهایت، این پیشنهاد به اتفاق آرا تأیید شد. در همان سال ۱۳۹۵، وزارت علوم موافقت اصولی خود را اعلام کرد. اما به من گفتند باید یک نهاد پشتیبان برای راه‌اندازی دانشگاه پیدا کنم. به من گفتند اگر نهاد پشتیبان پیدا کنید، باید صدسال دیگر صبر کنیم! از زمان مرحوم باغجه‌بان، یعنی سال ۱۳۰۳ که مدرسه‌ای برای کودکان ناشنوا تأسیس کرده بودند، برای رفع این مشکل، عالی ایران هیچ اقدامی در این حوزه انجام نشده بود. چه قبل و چه بعد از انقلاب. آموزش عالی در این زمینه دچار غفلت شده بود.

من این نامه و پیشنهادم را در یکی از جلسات هیئت‌ممیره دانشگاه آزاد به دکتر طهرانچی ارائه کردم؛ در آن زمان دکتر طهرانچی حدود سه تا چهار ماه بود که به ریاست دانشگاه منصوب شده بودند. من یادداشتی را از طریق تلفن همراه برای ایشان فرستادم و ایشان همان زمان که پشت میز به عنوان رئیس جلسه حضور داشتند، آن را بررسی کردند و پرپروژال و پیشنهاد وزارت علوم را به اجمال دانشگاه شهید بهشتی ایشان ارسال کردم. دکتر طهرانچی آن را بار کردند و در همان یک دو ساعت جلسه، پیشنهاد را مطالعه و همان زمان در جلسه به من پیامک دادند که «وقتی جلسه تمام شد صبر کنید، من با شما کار دارم.» پس از پایان جلسه، آقای دکتر گفتند: «من موافقم، ایده خیلی خوب است. من موافقت هیئت‌امنای دانشگاه آزاد را می‌گیرم، منتها شرطش این است که خود شما راه‌اندازی‌اش کنید، چون ایده از شما بوده و تجربه دارید و شاید هر کسی بخواهد دقیق‌تر این اتفاق را هیچ‌وقت نداشته باشد. من پاسخ دادم: «چشم، اگر شما حمایت کنید، شاید نسبت؛ من موفق می‌گذارم و انجام می‌دهم.» چند روز بعد، فکر می‌کنم ۲۷ آذر ۱۳۹۷ بود که ایشان برای من حکم راه‌اندازی این واحد دانشگاهی را صادر کردند، سپس حدود پنج تا شش ماه وقت صرف بازسازی و آماده‌سازی محیط اختصاصی داده‌شده شد که محل فعلی دانشگاه است، کردم. پس از آن، با اخذ موافقت قطعی وزارت علوم، با تأسیس واحد فرشتگان از اردیبهشت ۱۳۹۸ به‌عنوان سرپرست منصوب شدم و اولین ورودی‌ها مهر ۱۳۹۹ بود.

پیش از ارائه پیشنهاد به دانشگاه آزاد، آیا به دنبال نهاد یا دانشگاه دیگری برای پشتیبانی هم رفته بودید؟

بله، قبل از دانشگاه آزاد، ابتدا این پیشنهاد را به دانشگاه صنعتی شریف ارائه دادم، چون قبلاً به مدت حدود ۹ سال معاون آموزشی دانشگاه شریف بودم. پیشنهاد تأسیس آن را ارائه به شکل «دانشگاه» بالکه به‌عنوان دانشکده و مهندسی ویژه افراد دارای معلولیت؛ ارائه کردم. اما واقعیت این است که پاسخی دریافت نکردم و طرح مسکوت ماند؛ شاید از نظر هزینه و تأمین منابع این طرح می‌ترسیدند و نگران بودند. حدود شش ماه منتظر ماندم تا بینم امکان اجرایی شدن در آنجا فراهم است یا نه، زیرا دانشگاه شریف به واسطه این که سال‌ها در آنجا کار کرده بودم از نظر اجرایی شدن برای من راحت‌تر بود. بعد از این که مطلع شدم وزارت علوم دریافت کرده بودم، این موافقت چند ماهی در جیب من مانده بود تا وقتی برای بررسی پرونده ارتقای اساتید در جلسه هیئت ممیزه دانشگاه آزاد حضور پیدا کردم، ناگهان به ذهنم رسید که پیشنهاد را برای دکتر طهرانچی بفرستم. ایشان پیام را دریافت کردند و در مدت حدود دو ساعت پاسخ مثبت دادند. برای من این مسئله بسیار ارزشمند بود، زیرا معمولاً در سیستم اولین مسئول؛ جرئت تصمیم‌گیری برای شروع کار جدید با متفاوت را ندارند. اما ایشان در دو ساعت به‌صورت مثبت پاسخ دادند.

نام «فرشتگان» چگونه برای این دانشگاه انتخاب شد و پیشنهاد چه کسی بود؟

زمانی که طرح لوگو لیبه‌را برای وزارت علوم نوشتم، لازم بود نامی برای دانشگاه انتخاب کنیم. این نام را با مشورت یکی از همکارانم در دانشگاه شریف، دکتر دورعلی که از اساتید پیشکسوت بودند، برگزیدیم. به نظرمان «فرشتگان» بهترین انتخاب بود. دکتر طهرانچی هم از این نام بسیار استقبال کردند. تعبیر شهید طهرانچی این بود که «اگر برای این بچه‌ها امکانات فراهم شود، می‌توانند همچون فرشته‌ها به پرواز درآیند و وضعیت دانشجویی خود را ارتقا دهند.» حتی در البیانی‌ی که از اردیبهشت برگزار شد و ایشان حضور یافتند، دوباره به همین موضوع اشاره کردند. البته علت اینکه نام «فرشتگان» را انتخاب کردم- در حالی که می‌توانستیم نام آن را «دانشگاه ناشنوایان» بگذاریم- این بود که نمی‌خواستم دانشگاه صرفاً محدود به جامعه ناشنوایان باشد. در همان دوره‌ای که روی پروژه‌های پژوهشی در دانشگاه شریف کار می‌کردم، با موضوعات مرتبط با کودکان توانیم، سندروم داون و معلولیت‌های جسمی- حرکتی نیز آشنا شدم. بنابراین ترجیح دادم نامی عام‌تر انتخاب شود تا در آینده بتوانیم طیف وسیع‌تری از افراد دارای معلولیت را تحت پوشش قرار دهیم؛ موضوعی که در حال حاضر محورییت کار ما ناشنوایان هستند.

ترکیب دانشجویان دانشگاه فرشتگان چگونه است و چه معیارهایی برای انتخاب رشته‌ها در نظر گرفته شد؟

اکثریت دانشجویان ما ناشنوا و کم‌شنوا هستند، برای مثال در رشته روان‌شناسی، پیش از دریافت مجوز، از خود دانشجویان نابینا نظر خواهی کردیم که علاقه‌مند به چه رشته‌ای هستند. بیشتر آن‌ها رشته روان‌شناسی را انتخاب کردند، زیرا باوجود نابینایی می‌توانند از طریق شنوایی مطالب را دریافت کنند. از طرفی این رشته برای آن‌ها مزیت دیگری هم دارد؛ برخی از مراجعان ترجیح می‌دهند روان‌شناس یا مشاوران آن‌ها را نبینند، بنابراین دانشجویان نابینا در این زمینه یک ویژگی خاص دارند.

راه‌اندازی «فرشتگان» چگونه آغاز شد؟ چه چالش‌هایی در ابتدای آغاز فعالیت پیش‌روی این واحد قرار داشت؟

در ابتدا در واحد تهران غرب فقط یک دفتر ۲۴ متری در اختیار ما قرار گرفت. آن زمان خانم دکتر دادانیش رئیس واحد تهران غرب بود. من در آن زمان هیئت‌علمی نیمه‌وقت واحد تهران غرب بودم و با هماهنگی دکتر طهرانچی و دکتر آقامیری (رئیس وقت دانشگاه آزاد استان تهران)، آن دفتر برای امور اداری و پیگیری مجوزها اختصاص داده شد. پس از یک ماه، ساختمان فعلی دانشگاه که قبلاً ساختمان تربیت‌بدنی واحد تهران مرکزی بود و حدود دو سال متروکه مانده بود، به ما واگذار شد، چون برای دریافت مجوز قطعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ما ناچار بودیم محل دانشگاه را تعیین کنیم. در واقع جزء «مقررات وزارت علوم این بود که در صورت داشتن ایده و طرح، محل دانشگاه نیز مشخص شود. وقتی نامه‌ای به وزارت علوم ارسال و محل دانشگاه را اعلام کردیم، مجوز قطعی را از وزارت علوم دریافت کردیم. این ساختمان در آن مدت آسیب زیادی دیده و بخش‌هایی از آن تخریب شده بود. حدود شش تا هفت ماه زمان بردتا بخش‌ها و کمک‌های مالی واحدهای تهران غرب و اسلامشهر بتوانیم ساختمان را بازسازی کنیم و آماده پذیرش دانشجو در مهر ۱۳۹۹ شویم. از همان زمان تا کنون، فعالیت دانشگاه در این مکان ادامه دارد اما در مورد چالش‌ها باید گفت نخستین چالش ما نبود نیروی آموزشی‌دیده برای تدریس به دانشجویان ناشنوا بود. در ایران سابقه‌ای وجود نداشت که اساتید به‌طوردجی با دانشجوی ناشنوا کار کرده باشند. بنابراین در همان‌شش هفت ماهی که مشغول بازسازی ساختمان بودیم، دوره‌های آموزشی در دانشگاه برگزار کردیم تا افرادی که علاقه‌مند به همکاری بودند، با زبان اشاره و فرهنگ ناشنوایان آشنا شوند. همه اساتید متقاضی همکاری فعالیت بین دوره‌ها را می‌گذراندند. کارشناسان اداری نیز از همان روز اول موظف شدند این دوره‌ها را بگذرانند. چالش بعدی، کمبود مترجم زبان اشاره در ایران بود، چون رشته‌ای دانشگاهی در این حوزه وجود نداشت. اغلب مترجمان به‌صورت تجربی و در خانواده‌های ناشنوا شد کرده بودند. به این افراد «گدا» (کودکان والدین ناشنوا) می‌گویند. بسیاری از مترجمان ما از همین گروه بودند. برای رفع این مشکل، با الگوگرفتن از دانشگاه آمریکایی، برنامه رشته کارشناسی زبان اشاره ایرانی را طراحی کردیم. با همکاری گروهی از زبان‌شناسان، برنامه درسی بومی شد و پس از آن مجوز وزارت علوم را دریافت کردیم. اکنون تنها دانشگاهی در ایران هستیم که این رشته را در مقطع کارشناسی ارائه می‌دهیم. موضوع شایسته باید افراد تحصیل‌کرده در این رشته داشته باشیم تا این زبان به اصطلاح را بگیرد. بازار شغلی خوبی هم دارد. جزء معدود رشته‌های کارشناسی است که قبل از فارغ‌التحصیلی وضعیت شغلی افراد مشخص است.

در سال‌های گذشته هیچ عضو هیئت‌علمی ناشنوایی در دانشگاه‌های بزرگ کشور نداشیم؟

از سال ۱۳۰۳ که مرحوم باغجه‌بان مدارس ناشنوایان را تأسیس کرد تا سال ۵۷، تنها مدارس استثنایی باغجه‌بان فعال بوده و تنها بزرگ‌ترین آموزش می‌توانستند تا مقطع دیپلم تحصیل کنند. اگر هم دانش‌آموز ناشنوایی موفق، به اخذ دیپلم می‌شد، هیچ امکان و مناسب‌سازی برای ورود به آموزش عالی نداشت. در موارد معدود، اگر فردی تصادفاً وارد دانشگاهی می‌شد، محیط دانشگاه به‌هیچ‌وجه مناسب‌سازی نشده بود. در کشور افرادی از ناشنوایان که تحصیلات عالی داشته باشند، بسیار محدود داریم؛ در حد انگشتان یک یا دو دست. اکنون دانشگاه فرشتگان اولین عضو هیئت‌علمی ناشنوا را جذب کرده است. این درحالی‌که حدود ۱۰۰ هزار عضو هیئت‌علمی در دانشگاه‌های دولتی و آزاد، داریم. این اتفاق نقطه عطفی در زندگی ناشنوایان است؛ موضوعی که پیش‌تر حتی در حد رویا هم برایشان دست‌نیافتنی بود که بتوانند روزی استاد دانشگاه شوند. تعدادی از کارکنان و کارشناسان دانشگاه هم از همین افراد هستند. ما از ابتدا الگوبرداری خود را از انجمن ملی‌شنوایان گالاگر کردیم؛ دانشگاهی که ۳۰۴ درصد دانشجویان آن فاقد معلولیت و ۷۰ درصد از ناشنوایان و نابینایان یا افراد دارای معلولیت هستند. همین الگو را در دانشگاه فرشتگان پیاده کرده و به روزرسانی کردیم که می‌خواهیم نسبت دانشجویان ناشنوا ۳۰ به ۷۰ باشد. زمانی که آمریکا بودم از مسئولان پرسیدم چرا نسبت دانشجویان ۳۰ به ۷۰ است؟ چرا فقط صرفاً برای دانشجویان ناشنوا تشکیل نشده؟ مسئولان دانشگاه آمریکایی تأکید می‌کردند اگر در دانشگاه فقط روی ناشنوایان باز شود، ارتباط این افراد با خانواده، خواهر، برادر، بستگان یا دوستانشان که ناشنوا نیستند، قطع خواهد شد. اما وقتی درصدی دانشجویان شنوا نیز در کنار شما باشند، تعاملی به وجود می‌آید. بعد از این که مسئولان دانشگاه آمریکایی این نظر را مطرح کردند، به من گفتند که ما نیز باید این مدل را پیاده کنیم. به من گفتند اگر شما با پدیده کرونا مواجه شدید، همه دانشگاه‌های دنیا تعطیل یا نیمه‌تعطیل بودند. ما دانشجویان را پذیرش کردیم و باید کلاس‌ها را برگزار می‌کردیم. کلاس‌های مجازی و مشکلات مربوطه را داشتیم. اما الحمدلله به خیر گذشت و بسیاری از دانشجویان اکنون فارغ‌التحصیل شده‌اند.

در حال حاضر واحد فرشتگان چند دانشجوی فاقد معلولیت و چند تعداد دانشجوی دارای معلولیت دارد؟

اکنون در دانشگاه فرشتگان حدود ۵۰۰ دانشجو- بدون درنظرگرفتن دانشجویان جدیدالورود- هستیم. نسبت دانشجویان دارای معلولیت به دانشجویان عادی در حال حاضر ۶۰ به ۴۰ است. هنوز به الگوی ۳۰ به ۷۰ نرسیده‌ایم. زیرا دانشگاه برای عموم جامعه به‌طور کامل شناخته نشده است. ترکیب دانشجویان ما شامل ناشنوایان، نابینایان، افراد دارای سندروم و دیگر معلولیت‌هاست. حدود ۱۲۰ نفر در مدت فعالیت این دانشگاه تاکنون فارغ‌التحصیل شدند. در سال اول شروع فعالیت دانشگاه ما تنها سخن‌ها و محدودیت‌های خود، سرمایه‌گذاری کرده و تلاش کردهاند تا به اینجا برسند. مارشته‌هایی را انتخاب کردیم که عمدتاً مهارتی هستند، تافارغ‌التحصیل بتوانند خودشغلی داشته باشند. برای مثال، رشته طراحی و ساخت طلا و جواهر. شاید امکان استخدام مستقیم نداشته باشند، اما قدرت می‌توانند با دریافت وام و راه‌اندازی یک کارگاه، چند نفر را نیز استخدام کنند. رشته طراحی لباس نیز به همین صورت است؛ هیچ اداره‌دولتی طراح لباس استخدام نمی‌کند، اما فارغ‌التحصیل می‌تواند کسب‌وکار خود را راه‌اندازی کند. یا ماشکارشته عکاسی، چند ماه پیش با ارائه‌ای از مجلس شورای اسلامی دریافت کردیم که مربوط به گزینش و جذب یکی از فارغ‌التحصیلان ناشنوا ارسال شده بود. باعث خوشحالی بود که مجلس قصد دارد برای استخدام و گزینش فارغ‌التحصیلان ناشنوا در رشته عکاسی اقدام کند. این حرکت‌ها باعث می‌شود جایگاه این دانشجویان به‌تدریج در جامعه تثبیت شود. ما بیشتر تمرکز خود را بر رشته‌هایی گذاشته‌ایم که فارغ‌التحصیلان آن کمتر به دنبال استخدام باشند و بیشتر مسیر کارآفرینی و خودشغلی را دنبال کنند. بااین‌حال، در برخی زمینه‌ها، دانشجویان با زدیدهایی از شرکت‌ها آنجام می‌دهند و برخی از شرکت‌ها با ما تماس گرفته‌اند تا افراد دارای معلولیت را معرفی کنیم و جذب کنند. ما نیز اساسی هیئت‌علمی دانشگاه شریف، دکتر قرقه اطلاع‌رسانی کرده‌ایم تا رزومه‌های خود را ارائه دهند و در مصاحبه‌ها شرکت کنند و خوشبختانه انتخاب شوند. برخی نهادهای دولتی یا شرکت‌های خصوصی نیز به دلیل انگیزه‌های مالیاتی و قوانین مربوطه علاقه‌مند به جذب افراد شده‌اند، اما مثلاً در قوانین داریم که درصدی از افراد دارای معلولیت باید در ارگان‌های دولتی استخدام شوند. بااین‌وجود، تمرکز اصلی ما بر رشته‌هایی است که دانشجویان بتوانند مستقل عمل کنند. برای مثال، یکی از فارغ‌التحصیلان دختر ما اکنون در حوزه هویه‌پیلی و فروش بلیط فعالیت می‌کند و کارشناسی خود را نیز به پایان رسانده است. ما دو مشکل اساسی داریم؛ یک مشکل این بود که این بچه‌ها خودشان باور نداشتند که می‌توانند یا بلدند و مادرشان باور نداشتند که بچه‌هایشان می‌توانند تحصیل کنند. دوم، فرهنگ عمومی جامعه آمادگی پذیرش دانشجویان ناشنوا را ندارند؛ این یک پروسه سخت اولی فکر می‌کنم در درازمدت، همان طور که در کشورهای غربی موضوع جاافتاده و ده‌ها کار کرده‌اند، اینجا هم به‌تدریج شکل می‌گیرد. برای مثال، دانشجویی ناشنوایی داشتیم که علاقه‌مند به تحصیل بود اما پدرش اجازه نمی‌داد. من در دانشگاه شریف ۳۵ سال کار کرده‌ام؛ اصلاً نگران ندارد پدر و مادری ببینند فرزندش دانشگاه شریف قبول شده اما نگذارند درس بخواند. اما مادری ببینند فرزندش دانشگاه شریف قبول شده، اما نگذارند درس بخواند. اما مادری ببینند فرزندش دانشگاه شریف قبول شده